



## معرفی و نقد کتاب: فقه الحکومه الاسلامیه بین السنه و الشیعہ

پدیدآورده (ها) : بحرانی، مرتضی

علوم اجتماعی :: دین و ارتباطات :: پاییز 1383 - شماره 23

از 199 تا 212

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/29488>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 15/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## معرفی و نقد کتاب

### فقه الحکومه الاسلامیه بین السنه و الشیعه<sup>۱</sup> و قراوه فی فکر الثوره الایرانیه

نویسنده: توفیق محمد شاوی

القاهره، منشورات العصر الجدید، الاول، ۱۹۹۵/۱۴۱۵/۳۹۰ صفحه

#### مقدمه:

طرح نظریه ولایت فقیه از سوی امام خمینی (ره) و به دنبال آن وقوع انقلاب اسلامی ایران، با واکنشهای مختلفی مواجه شد. در این میان، توفیق محمد شاوی با تالیف کتاب فقه الحکومه الاسلامیه، نظریه ولایت فقیه را در راستای همسویی با اندیشه سیاسی اهل سنت و وحدت آن دو در جهت تطبیق با نظریه عمومی شورا مورد بررسی قرار داده است. کتاب فقه حکومت اسلامی شاوی، تعلیقات وی بر کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) است. از نظر وی کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره)<sup>۲</sup> و آرای سیاسی ایشان نقطه عطف مهمی در اندیشه سیاسی اسلام است. زیرا از یک سو در حوزه نظری منشاء تحولات درخور توجهی بود و از سوی دیگر باعث ایجاد انقلاب و سرنگونی

نظام مستبدی شد که از سوی بیگانگان بر یک ملت مسلمان سیطره داشت. شایو که در سال ۱۹۷۹ پس از انقلاب اسلامی، از ایران دیدار کرده، این کتاب را در همان موقع آماده نشر کرده بود اما (به گفته خودش) پس از آغاز جنگ عراق علیه ایران و احتمال بهره برداری‌های سیاسی از این کتاب نشر آن را به تاخیر انداخت. محور اندیشه سیاسی جدید شیعه و سنی از نظر وی شورا است. از همین رو مهم‌ترین اثر خود را با نام «فقه الشوری والاستشاره» منتشر کرده است. شایو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مکمل و مفسر نظریات فقهی سیاسی امام در کتاب ولایت فقیه می‌داند.

#### معرفی کتاب

کتاب فقه الحکومه الاسلامیه در چهار بخش تنظیم شده است. بخش اول مقدمات عامه است و از پنج مبحث شکل می‌گیرد: مقدمه چاپ دوم، مقدمه چاپ اول، مقدمه کتاب و دو بحث درآمدی نسبت به ولایت فقیه و ارزشگذاری آن. مولف در بحث درآمدی نسبت به نظریه ولایت فقیه، نظریه امام خمینی (ره) در باب حکومت اسلامی را در یازده قاعده خلاصه می‌کند.<sup>۳</sup> از آن جا که این کتاب بعد از کتاب فقه الشوری و الاستشاره تالیف شده، شایو در موارد متعدد خواننده را به کتاب فقه الشوری و الاستشاره ارجاع می‌دهد.

#### الف. اصول و قواعد نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) به روایت شایو

۱. وجوب تشکیل حکومت اسلامی در همه زمانها و از جمله زمان غیبت.
۲. تاکید امام بر نظریه وصیت و استخلاف و تکمیل آن با وضع نظریه ولایت اعتباری.
۳. مبنای تشکیل حکومت در زمان غیبت براساس ولایت اعتباری فقها.
۴. ولایت اعتباری عامه، شامل همه اختصاصاتی می‌شود که ولایت رسول و بعد از ایشان امام معصوم شامل آن می‌شد.

۵. ولایت اعتباری در زمان غیبت برای فقهای است که شروط اهلیت ولایت را دارند و اکثریت مردم او را انتخاب می‌کنند.

۶. شرایطی که برای متولی امر قضاء لازم است، برای شخصی که نامزد ولایت اعتباری است هم واجب می‌باشد.

۷. همه فقها و علما برای منصب نامزدی ولایت اعتباری شایستگی ندارند.

۸. تمایز میان ولایت و سلطنت.

۹. اساس ولایت فقیه التزام به امر به معروف و نهی از منکر است و امر به معروف و نهی از منکر به ویژه از سوی کسی باید اعمال شود که علم به قانون شریعت (معروف و منکر) داشته باشد.

۱۰. آخرین قاعده ای که شاوی از افکار امام خمینی (ره) در نظریه ولایت فقیه استخراج می‌کند، لزوم مبارزه با ایده جدایی دین از سیاست است.

#### ب. موضوع بندی کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) در قالب یک نظریه

بخش دوم و سوم کتاب به بررسی تفصیلی کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) اختصاص یافته است و شاوی مباحث کتاب ولایت فقیه امام را در یازده فصل و به صورت یک نظریه دو مرحله‌ای مورد بررسی قرار داده است. بخش دوم بیشتر به مرحله قبل از استقرار حکومت و شیوه تحقق آن اشاره دارد و بخش سوم ماهیت حکومت اسلامی در زمان غیبت را بررسی کرده است. شاوی در این دو بخش نکته خاصی را از سوی خود بیان نمی‌کند، بلکه در کنار اقوال امام به ایضاح آنها و مقایسه آن مباحث با نظریات سهنوری، مغنیه و منتظری می‌پردازد. از این رو در ادامه عناوین فصل‌های اخیر اثر را به اختصار مرور می‌کنیم.

فصل اول با عنوان *نداء و دعاء مباحثی* را که امام به تشویق طلاب و جوانان، روشنفکران، دانشجویان و مسلمانان برای انقلاب و قیام بیان فرموده، ذکر می‌کند.

فصل دوم با عنوان *منهاج الثورة*، بستر تحقق انقلاب از نظر امام را در موارد زیر بررسی می‌کند: آگاهی و نشاط در دعوت اسلامی؛ برنامه ریزی؛ تربیت؛ مقاومت مثبت و منفی؛ بیان مفاسد اجتماعی؛ تلاش برای تقویت بنیه مادی و معنوی.

فصل سوم کتاب به نقش مراکز علمی و دینی در تحقق انقلاب اختصاص یافته است. هدف اول امام از این مباحث، تبیین سیاسی بودن دین اسلام و افشای نقش استعمار و یهود در اتهام جدایی دین و سیاست در اسلام است. از سوی دیگر اصلاح حوزه‌های علمی و تطهیر آنها از علمای درباری نیز مد نظر است.

فصل چهارم با عنوان مقاومت در برابر دشمنان اسلام به نقش عملی استعمار و ایادی آنها در سرزمین‌های اسلامی اختصاص یافته است. شای این مرحله را بعد از مرحله فکری که در فصل سوم بیان کرد، دومین مرحله تحقق انقلاب در اندیشه امام خمینی (ره) می‌داند که اساس آن افشای برنامه‌های استعمار، صهیونیسم و کمونیسم از یک سو و از سوی دیگر مواجهه با ایادی آنها در کشورهای اسلامی است.

فصل پنجم با نام *اقامه نظام حکومت اسلامی*، سومین و آخرین مرحله تحقق انقلاب در اندیشه امام را بررسی می‌کند. در این فصل چهار موضوع زیر مورد بحث قرار گرفته است، دعوت حکام برای ملتزم شدن به شریعت اسلامی؛ اهداف حکومت اسلامی؛ ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و ویژگیهای حکومت اسلامی.

بخش سوم کتاب که شامل سه فصل است، به مبانی نظری حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام اختصاص یافته است.

فصل ششم، وجوب اقامه حکومت اسلامی در زمان غیبت را بررسی می‌کند و نکته تحول فقه شیعی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت و نادیده گرفتن اصل وصیت و استخلاف را به بحث می‌کشد. با توجه به این که شای در همه آرای امام به دنبال یافتن نقاط مشترک فقه سیاسی شیعه یا سنی است، می‌گوید از آن جا که اندیشه وصیت

و استخلاف مربوط به دوران وجود امام معصوم است و با غیبت او منتفی می‌شود، اهل سنت با اهل شیعه در اصول سیاسی که برای اهلیت است در تشکیل حکومت، اختلاف ندارد و به سخنی از حسن البنا اشاره می‌کند که گفته است «ما ضد شیعه نیستیم چون وقتی امام غائب ظهور کند ما خود اول کسی خواهیم بود که با او بیعت خواهیم کرد»<sup>۴</sup> فصل هفتم به ویژگی‌ها و شرایط تعلق ولایت به ولی در زمان غیبت اختصاص یافته است.

فصل هشتم، ولایت اعتباری فقها و حدود سلطه و حکومت آنها را به بحث کشیده است. در بخشی از این مباحث، اقوال و انتقادات محمد جواد مغنیه بر آرای امام آورده شده است. شای در حالی که انتقادات علمی به نظریه ولایت فقیه را ذکر می‌کند، انتقادات سیاسی ناشی از حملات رسانه‌ای را به هیچ می‌گیرد و آنها را شایسته ذکر و بررسی نمی‌داند.

فصل نهم به بررسی روایت «العلماء ورثه الانبیاء» می‌پردازد و ابعاد ولایت و نبوت در اندیشه امام را دنبال می‌کند. در کنار این بحث روایات دیگری را که امام برای تثبیت جایگاه فقیه در زندگی سیاسی جوامع اسلامی از آنها استفاده کرده است، ذکر می‌کند. از جمله حدیث رضوی<sup>۵</sup> و حدیث مقبوله عمرو بن حنظل. شای در پایان این فصل با توجه به امکان تاویل نظریه وراثت به دیکتاتوری، می‌گوید: امام خمینی در نظریه خود زیاد محتاج به حدیث العلماء ورثه الانبیاء نبوده است. زیرا فقیه‌ی که مردم او را برای ولایت انتخاب می‌کنند، مستظهر به شوری و بیعت است و نیازی به وصیت و وراثت ندارد.

فصل دهم به مساله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اصلی عام و فراگیر در تشکیل و استمرار حکومت اسلامی اختصاص دارد که در این میان از نظر امام علما در برابر اقامه این اصل نقشی مهم و اساسی دارند.

فصل یازدهم دو شرط اساسی علم به شریعت و قانون را به مثابه اصول اهلیت برای ولایت و قضاوت بررسی می‌کند. زیرا از نظر امام بعد از شرط علم، شرایط عمومی ولی فقیه همان شرایط قاضی است.

## نقد کتاب

مطالعه کتاب و تامل در مباحث آن و نظریاتی که شای مطرح می‌کند در برخی موارد شایسته نقد است که در ادامه آن‌ها را یادآور می‌شوم.

۱. عدم تبویب منطقی کتاب و تکرار مباحث. به عنوان مثال مبحث ارزیابی نظریه امام دوبار تکرار شده است. مبحث نظر مولف دوبار مستقلاً و چندین بار در ضمن سایر مباحث ذکر شده است. با این حال دسته بندی آرای امام در بخش دوم و سوم کتاب قابل تحسین است. به عبارت دیگر شای مطرح مباحث امام را که به گفته شای از سر سیاست و برای انقلاب در قالب سخنرانی صادر شده بود در قالب یک نظریه دو مرحله‌ای ذکر کرده است. (مرحله ماقبل تشکیل حکومت و مرحله حکومت)؛ هر چند که در همین رابطه نیز آشفتگی در پیوند مطالب نهفته است. به عنوان مثال مباحث نظری مربوط به حکومت اسلامی در بخش دوم و سوم، هر دو آمده است.

۲. عدم توجه به قرائت‌های مختلف از نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) و برداشت‌های گوناگون از اندیشه سیاسی ایشان. (که استنادات متفاوت و بعضاً متعارضی را به دنبال داشته است)

۳. یکی تلقی کردن آیت الله منتظری از ولایت فقیه با ولایت فقیه مد نظر حضرت امام (ره).<sup>۱</sup>

۴. ادعای بدون دلیل شای مبنی بر اینکه همه مسلمانان بر شرط عدالت برای حاکم اجماع کرده‌اند،<sup>۲</sup> محل تامل است؛ در حالی که ویژگی عدالت در اندیشه بسیاری از علمای اهل سنت - از جمله ابن حنبل - غایب است و در سایر موارد هم عدالت در آرای اهل سنت به امنیت تقلیل می‌یابد.

۵. این سخن شای که در عصر جدید دامنه وظایف حاکم اسلامی باید کاهش یابد نه گسترده شود، از منظری، صحیح و منطقی است اما تبیین او مبنی بر این که وظیفه حاکم باید در ۱. حسن انتخاب افرادی که قرار است مدیریت بخش‌های گوناگون جامعه را به

دست گیرند و ۲. حسن انتخاب افرادی که قرار است بر آن افراد در انجام وظایف و مسئولیات خود نظارت و اشراف داشته باشند، بیش از حد ساده انگارانه است. همچنین در حالی که شای می گوید «هر نظری غیر از نظر ما غیر واقعی و غیر عملی است و از پیامدهای رویکرد آرمان گرایانه است که در عصر ما و عصرهای آینده کاربرد ندارد»<sup>۵</sup>، نظر او نیز تا بدین حد غیر عملی و غیر واقعی است. به ویژه که شای در تبیین خود اساساً عنصر قدرت را نادیده گرفته است و صرفاً یک حاکم فاقد قدرت را به تصویر کشیده است که نهایت وظیفه او - که البته این نیز خود نوعی آرمان گرایی محض است - نصب و عزل امراء و مشرفان است که در نظر، نحوه تحقق آن را هم شرح نمی دهد.

۶. به نظر می رسد استدلال شای در تبیین وظایف حاکم چندان درست نیست. شای می گوید به این دلیل باید وظایف حاکم را به حسن انتخاب ولات و نظارت کنندگان بر ولات تقلیل داد که نتیجه و پیامد حتمی گسترش حوزه عملکرد حاکم باعث می شود تا در شرایط، خصال و صفاتی که لازم است برای حاکم در اجرای حکومت وظایف خود موجود باشد مبالغه کنیم و این شرایط را آن قدر زیاد کنیم که در عمل مصداقی برای آن یافت نشود و اساساً انتخاب حاکم امری محال شود. در این صورت حق امت در انتخاب حاکم از آنان سلب می شود و از آن جا که جامعه را ضرورتاً حاکمی می باید، کسانی رهبری جامعه را به عهده می گیرند که از طریق غلبه و استیلا قدرت را کسب کرده و بقاء و تداوم می دهند. شای در حالی که از وضعیت جدید سخن می گوید و در همین زمینه، حوزه اختیار حاکم اسلامی را کاهش میدهد، وضعیت را با دوران قدیم مقایسه می کند و نظر خود را مبتنی بر وضعی ارائه می دهد که در آن فقط عالم باشد و در نتیجه فرد غیرعالم به شیوه استیلا حکومت یابد. این در حالی است که حتی مشکل گذشته که افراد استیلایی حکومت می کردند هم در شرط علم نهفته نبوده است. در آن زمان هم تعداد عالمان حتی عالمان مجتهد کم نبوده اند. نظریه شای از آن روی ضعیف می نماید که به تمایز میان واقعیت و نظر در

تاریخ اسلامی نظر نداشته است و از گذشته‌ای در هراس است که علم و عمل سیاسی آن هر دو غیرهنجاری و غیر کاربردی بوده‌اند. ویژگی اساسی نظریات سیاسی علمای سنی در قدیم نه ارائه راه حل بلکه معطوف به واقعیت و برای توجیه قدرت موجود بوده است.

۷. شایو با نفی شرط علم برای حاکم - به ویژه علم اجتهاد - مگر شرط ضعیف شده علم جزئی برای شناخت افراد شایسته برای اجرایات سایر شروط را هم نادیده گرفته است. اساساً شناخت (این افراد) می‌تواند حتی با تجربه هم حاصل آید. زیرا صرف حسن انتخاب افراد برای اجرای وظایف جامعه نیاز به هیچ شرطی ندارد. با توجه به این که نظر شایو معطوف به شرایط زمان است، امروزه هم در بیشتر جوامع انتصاب افراد در راس امور بیشتر از روی شناخت‌ها و تجربه‌ها است نه دانش‌ها و تخصص‌ها. از این رو معیاری که می‌توان از مباحث شایو برای حکومت در نظر گرفت صرف تجربه است که البته خود معیاری بسیار سیال و غیرکمی است و همان اندازه محل نقد است که معیارهای مبتنی بر آرمان‌گرایی که خود شایو منتقد آنهاست. زیرا در بنیاد مشکل تاریخ سیاسی اسلام و نیز مشکل سیاست کنونی در جهان اسلام در شرایط شخص حاکم نیست. از همین رو رای نهایی شایو مبنی بر اینکه «جمع شرایطی که فقها برای نامزدهای وصایت اعلام کرده‌اند شرایط اولویت و افضلیت است نه شرایط اهلیت، و امت در مقام مقایسه میان دو یا چند نامزد می‌توانند آن شرایط را لحاظ کنند»<sup>۹</sup> راه به جایی نمی‌برد. شایو فراموش کرده که شرایطی که فقها و اندیشمندان برای حاکم ذکر کرده‌اند، برای نامزدهایی نیست که قرار است حاکم شوند، بلکه برای حکام بالفعلی است که قرار است قدرتشان به اقتدار مداوم بدل شود و مشروعیت یابند.

۸. شایو به تمایز اساسی میان مشروعیت و مقبولیت در اندیشه شیعی توجهی نکرده است. به هر حال توجه به رای اکثریت که مبنای کار شایو در بررسی این کتاب و نیز رای نظریه عمومی شورا است و در قانون اساسی به آن توجه و تصریح شده، در نظریه

ولایت فقیه - به ویژه از بعد روایی آن - می‌تواند کاشف از مقبولیت حاکم و ولی باشد نه مشروعیت بخش حکومت و ولایت آن . زیرا اساسا مشروعیت فقیه امتداد مشروعیت امام معصوم و به نصب است نه اراده و اقبال عمومی مردم که در عرصه سیاست تجلی می‌کند. استدلال امام به حدیث وراثت در جهت تبیین مشروعیت الهی ولی فقیه است اگر چه نصب او بر خلاف پیامبر و امام معصوم نصب عام است.<sup>۱۱</sup>

### جمع بندی

در مجموع تلاش شای در این کتاب کشف روابطی است که اندیشه سیاسی شیعه و سنی را پیوند بزند و آن را در قالب اندیشه سیاسی اسلامی و یا نظریه عمومی شورا تبیین کند. از همین منظر او به اینجا می‌رسد که شیعه و اهل سنت اختلاف اساسی ندارند. زیرا هر دو معتقدند که در حوزه عمل سیاسی جایی که نص پیامبر است باید به آن التزام داشت و جایی که نص نیست باید به شوری توسل جست. از این منظر اختلاف شیعه و سنی بر حول مبدا و اساس نمی‌چرخد بلکه اختلاف بر سر وجود یا فقدان نصی است که بر استخلاف یا وصیت تصریح داشته باشد. شای با اذعان به اینکه اهل سنت ثبوت احادیث مربوط به وصیت را منکر است می‌گوید در صورت وجود این احادیث آنها نشان از افضلیت دارند نه اهلیت. زیرا در نهایت امر مرجع امور سیاسی، امت است. هم مبدا شورا قرآن است و هم تصمیمات آن شرعی خواهد بود. بنابراین حتی اگر شورا فرد مفضول را بر فاضل برگزیند به معنای بطلان حکومت او نیست. چون شرط افضلیت به معنای اهلیت نیست تا غیرافضل غیراهل تلقی شود و در نتیجه ولایتش غیرمشروع دانسته شود.<sup>۱۲</sup> اما با توجه به گذشت زمان و تاریخی شدن مساله امامت علی ابی طالب علیه السلام و فرزندان ایشان و نفی حکومت‌های مبتنی بر استیلا راه به سوی توجه و گرایش به حوزه عمومی شورا باز می‌شود. نظریه عمومی شورای شای را می‌توان به مثابه حوزه عمومی هابرماس تلقی کرد که بر خلاف نظریه مشورت‌گرایانه رشید رضا که نگاه نخبه گرا دارد به دموکراسی مشورتی نزدیک می‌شود.

شاوی که متأثر از پدر زن خود، سهنوری است هنوز اندیشه احیای خلافت اسلامی را در سر دارد، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با محوریت ولایت فقیه و توجه به رای مردم، را بستری مناسب در جهت پیوند با اندیشه شوری مدار عصر حاضر اهل سنت می‌داند که می‌تواند رویای وحدت جهان اسلام را در عصر مدرنیته و کثرت گرایی فراهم آورد. از همین رو اظهار امیدواری می‌کند که به همان سان که نظریه ولایت فقیه در ایران، نظام استبدادی شاه را سرنگون کرد، رهبرانی ظهور کنند که بخش دوم اندیشه امام خمینی (ره) یعنی مبارزه با استعمار جهانی را پیش رو گیرند و دولت اسلامی را در سرتاسر جهان حاکم کنند.

بر همین اساس شاوی می‌گوید همچنان که امام خمینی (ره) جسارت به خرج داد و اندیشه شیعه را از پیامدهای سلبی و منفی غیبت و وصیت رهانید، اندیشه سیاسی اهل سنت نیز نیازمند تطهیر از رسوبات فکری علمای درباری و فقههای سلطانی است تا اندیشه مشروعیت حکومت قهری و استیلایی را بزدايند و استدلال ترس از فتنه را تداوم نبخشند. شاوی می‌گوید: «فقه سنت امروزه به همان بن بستى گرفتار شده که زمانی فقه شیعه در حالت غیبت گرفتار آن بود. امروزه اهل سنت با تاکید بر شرط علم در معنای اجتهاد برای نامزدهای خلافت و نیز شرط قرشی بودن از یک سو و از سوی دیگر اعلان قفل باب اجتهاد، اندیشه تشکیل حکومت دینی را به تعطیل کشانده‌اند زیرا در واقع مجتهدی وجود ندارد که به لحاظ علم و نسب، قرشی باشد.»<sup>۱۲</sup>

مرتضی بحرانی

## یادداشت

۱. توفیق محمد شاوی؛ فقه الحکومه الاسلامیه بین السنه و الشیعہ و قداوه فی فکر الثوره الایرانیه؛ القاہرہ: منشورات العصر الجدید الاول، ۱۴۱۵/۱۹۹۵.

شاوی متولد پانزدهم اکتبر ۱۹۱۸ (روستای الغنیمه دمیاط مصر) دکترای علوم سیاسی را در سال ۱۹۴۹ از دانشگاه پاریس اخذ کرد. به دلیل تخصص پیشینش در رشته حقوق سالها در محاکم قضایی و قانونگذاری فعالیت داشت و کتب و رسالات زیادی در موضوع فقه حقوق و قضا تألیف کرده است. اما کانون اندیشه وی در حوزه عمل سیاسی و در موضوع شوری به عنوان اصل و مبدا حکومت در اسلام است. (دو اثر فقه الشوری و الاستشاره، و الشورا اعلی مراتب الدیموقراطیه اندیشه او در باب شوری را منعکس می کند.) او کتاب الخلافه سهنوری را از فرانسه به عربی ترجمه کرده است.

۲- البته شاوی در ذکر منابع جدید به کتاب دراسات فی الولاية الفقیه آیت الله منتظری نیز اشاره و استناد دارد.

۳- شاوی در پاورقی‌های کتاب همراه با طرح دیدگاه حضرت امام (ره) اقدام به معرفی دیدگاه آیت الله منتظری و عبدالرزاق سهنوری نموده است.

۴. همان، ص ۱۸۰.

۵. منزله الفقها فی هذا الوقت کمنزله الانبیاء فی بنی اسرائیل.

۶. همان، ص ۲۱۶.

۷. همان، ص ۵۰.

۸. همان، ص ۲۷۴.

۹. همان ص ۲۸، ص ۳۱۵.

۱۰. امام خمینی در کتاب البیع می گوید: اگر هیچ کدام از مردم به یاری فقیه نشتابند و در تشکیل حکومت او را کمک نکنند، از منصب خود ساقط نمی شود چرا که منصب وی از سوی

پروردگار است و اصل ثبوت این منصب ارتباطی با مردم ندارد.... امام روح الله الموسوی

الخمینی، کتاب البیع، قم، انتشارات اسماعیلیان، ج ۲، ص ۴۶۹.

۱۱. همان، ص ۳۱۶-۳۱۴.

۱۲. همان، ص ۳۱۶.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

برگ درخواست اشتراک

فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق

بهای اشتراک سالانه درون مرزی: بهای اشتراک سالانه برون مرزی:

افراد ۲۰۰۰۰ ریال  
مؤسسات ۳۰۰۰۰ ریال

افراد ۲۵ دلار  
مؤسسات ۳۸ دلار

علاقتمندان می‌توانند بهای اشتراک سالانه را که شامل هزینه‌های پستی نیز می‌باشد، به حساب جاری شماره ۲۸۱۳ نزد بانک ملی ایران شعبه مهرگان واریز نمایند و اصل فیش بانکی را به همراه برگ درخواست اشتراک، به نشانی دفتر فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق ارسال کنند.

|               |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|---------------|--|--|--|--|--|--|--|--|--|
| نام:          |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| نام خانوادگی: |  |  |  |  |  |  |  |  |  |

تحصیلات:      شغل:      تاریخ تولد:

نام مؤسسه:      نشانی:

کد پستی:      صندوق پستی:      تلفن:

فاکس:      از شماره:

نشانی: دفتر فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق تهران، بزرگراه شهید چمران، سه راه سعادت آباد، دانشگاه امام صادق مرکز تحقیقات

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

تلفن ۵-۸۰۹۴۰۰۱، فاکس ۸۰۹۳۴۸۴



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی